

آب در هاون کوبیدن

عبد الله علوی

ارمغان شهید ترجمه مسکن الفؤاد. مترجم: عباس مخبر دزفولی. چاپ دوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ۱۲۱ صفحه.

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبّة والأولاد، یکی از تألیفات سودمند شهید ثانی - قدس سره الشریف - (۹۱۱-۹۵۶ ق) است که در سال ۹۵۴ از نگارش آن فراغت پیدا کرده است.

این کتاب در مسائل و اموری است که دل داغدیدگان را آرامش می بخشد و برای این مقصود از آیات و روایات و سخنان عالمان بزرگ و انسانهای صبور تاریخ و جز آن بهره گرفته است.

از مسکن الفؤاد چاپهای زیر را می شناسیم:

۱. تهران. ۱۳۱۰ ق. چاپ سنگی. در سالهای اخیر

کتابفروشی بصیرتی در قم این چاپ را افست کرده است؛

۲. بمبئی. بدون تاریخ. چاپ سنگی. (خانباباشار.

فهرست کتابهای چاپی عربی، ص ۸۴۳)؛

۳. نجف. چاپخانه حیدریه، ۱۳۴۲ ق. چاپ حروفی.

(فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی. ج ۶، ص ۵۶۴)؛

۴. قسم. مؤسسه آل البیت لإحياء التراث،

۱۳۶۶ ش/۱۴۰۷ ق. چاپ حروفی.

از میان چاپهای مزبور، چاپ اخیر از همه بهتر است.

تاکنون پنج ترجمه فارسی مسکن الفؤاد منتشر شده که به

ترتیب تاریخ ترجمه عبارت است از:

۱. ترجمه مرحوم میرزا اسماعیل مجدالادبء خراسانی، به

نام تسلیة العباد فی ترجمه مسکن الفؤاد که در سال ۱۳۲۱ قمری

در مشهد چاپ سنگی شده است.

۲. ترجمه آقای دکتر سید محمد باقر حجتی، به نام اسلام در کنار

داغدیدگان و افسرده دلان که در فروردین ۱۳۶۳ توسط

انتشارات رشد در تهران منتشر شده است.

۳. ترجمه آقای حسین جناتی، به نام آرام بخش دل

داغدیدگان (تاریخ مقدمه: خرداد ۶۳)، که تاکنون دوبار چاپ

شده، و چاپ دوم با عنوانی دیگر یعنی مقام داغدیدگان شکیبا

منتشر شده که البته نام چاپ اول درست و مطابق اصل است.

۴. ترجمه آقای سید مصطفی فارغ دزفولی، به نام آرام بخش

دل و جان در فقدان عزیزان و فرزندان (تاریخ مقدمه:

جمادی الآخره ۱۴۰۴) که کتابخانه صدر در تهران در مهرماه

۱۳۶۴ آن را منتشر کرده است.

۵. ترجمه مرحوم عباس مخبر - ره - به نام ارمغان شهید که

چاپ اول آن در جمادی الآخره ۱۴۰۵ در مشهد انجام شده

است.

غیر از ترجمه اول و دوم، بقیه آنها ارزش چندانی ندارند و

از میان ترجمه های ۳ و ۴ و ۵، ترجمه اخیر از همه بی ارزشتر

است و نواقص و نقایص فراوان دارد.

اخیراً دفتر انتشارات اسلامی در قم، ترجمه اخیر را از نو

حروفچینی و منتشر کرده است؛ در حالی که - چنان که گفته

شد - ارزش آن از همه ترجمه ها کمتر، و اغلاط آن از همه بیشتر

است. مهمترین نقص آن - که ناشر حتی متوجه آن هم نشده و

تذکر نداده است - در این است که ترجمه مزبور ناقص است و

مترجم - حتی بی هیچ ضابطه درست - هر جا را دلش خواسته

ترجمه کرده و هر جا را نخواست ترجمه نکرده است! سهل

است، در کلیه مواردی هم که بخشی از کتاب را ترجمه

نکرده، متذکر آن نشده است.

از این نقص عمده که بگذریم، ترجمه حاضر دارای

اشتباهات بزرگی است که برای نمونه به چند مورد اشاره

می شود. گو اینکه ترجمه حاضر یکسره ارزشی ندارد؛ حتی

ارزش نقد را.

(۱ در صفحه ۱۸، نوشته اند: «شهید... در سال ۹۲۵ به

میس (دشت میشان) که امروز به دشت آزادگان معروف است

مسافرت کرد. و در نزد شوهر خاله اش شیخ علی بن عبدالعالی

میسی مشغول تحصیل شد.» با اینکه می دانیم میس یکی از

روستاهای منطقه جبل عامل بوده است و هیچ ربطی به

دشت میشان یا دشت آزادگان امروز ندارد.

(۲ در صفحه ۱۶، شهید ثانی را از شاگردان علامه حلی

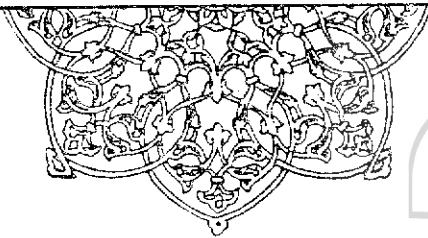
دانسته‌اند، که البته اشتباه بودن آن آشکار است و عقلاً نیز محال است شهید که در سال ۹۱۱ قمری متولد شده؛ شاگرد علامه حلی باشد که حدود دو قرن پیش از او، یعنی در سال ۷۲۶ از دنیا رفته است.

۳) در صفحه ۱۱۷، نوشته‌اند: «بعد شهید می‌گوید [!]: این باب تعزیه، باب آخر این رساله است که آن را در کتاب السماوات [کذا] و المهمات نقل کرده‌ام.» در همین عبارت کوتاه سه خطابه چشم می‌خورد: اولاً کتاب «التتمات والمهمات» است، و نه السماوات والمهمات. ثانیاً این کتاب از ابن طاووس - قدس سره الشریف - است؛ ولی مترجم پنداشته از شهید ثانی است و لذا نوشته: «آن را در کتاب ... نقل کرده‌ام». ثالثاً عبارت متن مسکن الفؤاد (ص ۱۱۹)، چاپ مؤسسه آل‌البیت - علیهم‌السلام) در اینجا چنین است: «هذا آخر التعزیه بلفظها ... وعلیها نختم الرسالة»؛ و منظورش از کلمه «التعزیه»، نامه‌ای است از امام صادق - علیه‌السلام - که به عنوان تعزیت، خطاب به گروهی از بستگانش مرقوم فرموده و شهید آن را عیناً در پایان کتاب نقل کرده است؛ ولی مترجم عبارت پیش گفته را چنین ترجمه کرده که «این باب تعزیه، باب آخر این رساله است»؛ و پنداشته که تعزیه، عنوان یابی است. و طرفه اینکه در پایان (ص ۱۱۷) تاریخ ختم ترجمه چنین ذکر شده است: «جمادی الثانی ۱۳۶۰». ماه قمری و سال شمسی! افزون بر اینکه «جمادی الثانی» فی حدّ نفسه غلط و صحیح آن «جمادی الآخرة» است.

چنانکه یاد شد ترجمه مزبور حتی ارزش نقد را ندارد و نکات یاد شده به عنوان مشتبی از خروار و برای نشان دادن تصویری از بی‌اطلاعی ناشر از وضعیت کتاب است. تازه با این همه، ناشر در آغاز کتاب (ص ۳) با طمطراق نوشته است: «این دفتر بعد از بررسی کامل و استخراج [؟!] و ویراستاری و اعراب و غیره آن را طبع و منتشر نموده است»! که اگر ناشر حتی یک قلم از این کارها را انجام داده بود، هرگز به نشر آن اقدام نمی‌کرد. معلوم نیست چگونه ناشر آن را «بررسی کامل» کرده است! و نیز به جز «بررسی کامل و استخراج [?!] و ویراستاری و اعراب»؛ نمی‌دانم ناشر چه عملی روی کتاب انجام داده که عبارت «و غیره» را هم به دنبال این همه عنوان ادعائی افزوده است!

با اینکه در خصوص همین ترجمه‌های مکرر مسکن الفؤاد، دو سال پیش در یکی از مجلات علمی به مناسبتی هشدار داده شده و چنین آمده است: «و این است نمونه بارز کار تکراری بی‌ثمر! و دیمی کار کردن بی‌حاصل، و بر باد ده نیروها و امکانات مادی و معنوی کشور، و اصولاً کارهای تکراری بوجُل و تُثُک مایه فرهنگی در کشور ما رواج تام دارد و واقعاً یک فاجعه است».

باری، چنانچه ناشر مایل بود که ترجمه‌ای از مسکن الفؤاد را منتشر کند، شایسته بود ترجمه اول یا دوم را انتخاب می‌کرد؛ نه چنین ترجمه‌ای را که از نظر ارزش در رتبه بعد از ترجمه‌ها قرار دارد!!



انتشارات مذهبی ما از نظر نظم، وضع نامطلوبی دارد؛ بگذریم از آثار و نوشته‌هایی که اساساً مضر و مایه بی‌آبرویی است. آثار و نوشته‌های مفید و سودمند ما نیز با برآورد قبلی نیست؛ یعنی براساس محاسبه احتیاجات و درجه‌بندی ضرورتها صورت نگرفته است. هر کسی به سلیقه خود آنچه را مفید می‌داند، می‌نویسد و منتشر می‌کند. بسی مسائل ضروری و لازم که یک کتاب هم درباره آنها نوشته نشده است، و بسی موضوعات که بیش از حد لازم کتابهایی درباره آنها نوشته شده است، از این نظر مانند کشوری هستیم که اقتصادش پایه اجتماعی ندارد و همه چیز به دست «تصادف» سپرده شده است.

اینکه راه علاج چیست، ساده است. هسته اولی این کار اصلاحی را همکاری و همفکری گروهی از اهل تألیف و تصنیف و مطالعه می‌تواند به وجود آورد.

استاد شهید مرتضی مطهری. عدل الهی. ص ۸ (ویراسته و خلاصه شده)